

فاشیسم محصول بن بست سرمایه داری و غیبت چپ

کاظم نیکخواه



صفحه ۲

هیچکس باور نمیکند که در پیش چشم خویش دارد فاشیسم قرن بیست و یک را به عیان می بیند. مردم جهان در فضایی از سردرگمی و استیصال تلاش میکنند خود را دلداری دهند که این موج خواهد گذشت و دامن آنها را نخواهد گرفت. اما آیا این داستان تکرار شونده سی سال گذشته تا کنون نیست که هر بار در سیکل واپسگرایانه تر و ضد

سر بلند کردن و پیشرویهای سریع و جنایات فجیع و باور نکردنی جریان موسوم به "داعش" دنیا را در بهت و حیرت فروبرده است. همه میپرسند که چه شد که چنین جریانی سر بلند کرد؟ چرا سد مقاومتی در برابر آن دیده نمیشود؟ برای مردمی که گرفتار این دیو قرن شده اند چه میشود کرد؟ و سوالات بسیاری از این دست در همه جا طرح میشود.

ادامه مذاکرات هسته ای و تناقضات خرد کننده رژیم اسلامی

علی جوادی

صفحه ۶

مردم سندانج در حمایت از مردم شنگال تظاهرات کردند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۷۱

جمعه ۳۱ مرداد ۱۳۹۳، ۲۲ اوت ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

نقطه درخشانی در مبارزه علیه توحش اسلامی!

موج تازه اعتراض در دانشگاهها!

فلاکت اقتصادی و افراطی گری نوع داعش
و بوکوحرام!

صفحه ۷

کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض و مبارزه

شهلا دانشفر

صفحه ۵

وزارت اطلاعات رژیم تعدادی از کمک کنندگان به مردم شنگال را احضار کرد

صفحه ۸

۵۰۰۰ کارگر معدن بافق:
تا آزادی همکارانمان به
اعتصاب و تحصن ادامه میدهم

صفحه ۱۰

فاشیسم محصول بن بست سرمایه داری و غیبت چپ

امثالهم امروز در برابر داعش و چشم اندازی که مقابل بشریت قرار داده، فرشتگان الهی جلوه میکنند.

برای بررسی تحلیلی تر این روند عقب گرد، نباید نمونه های جلو آمدن فاشیسم قومی و ملی و مذهبی در کشورهای بلوک

ارزشی تر و جنایت بارتری بهت و حیرت و ترس و استیصال خلق میکنند؟ وقتی حکومت اسلامی در ایران روی کار آمد و شروع به تعرض به ابتدایی ترین ارزشهای انسانی کرد و تمام نرمهای پذیرفته شده تکنونی بشری را زیر پا گذاشت، سنگسار و حلق آویز کردن در ملا عام و اسید پاشی بروی زنان و گروگان گیری و جداسازی جنسیتی و قتلهای زنجیره ای و تروریزم بین المللی را به جهان بازگرداند، جهانیان مرعوب و بهت زده شدند. اما بعد از چندسال ترس و ارعاب، این حکومت و تمام واپس گرایی ها و جنایات و نیروهای اسلامی تحت فرمایش را بعنوان جزئی از واقعیت دنیای امروز پذیرفتند. آیا کسی باور میکرد که از حکومت اسلامی و خمینی و دستگاه مخوف جنایت و ترورش بدتر را هم میشود تجربه کرد؟

جماعت اسلامی مسلح الجزایر با سر بریدن های جمعی یک ده و یک محله بدرجه ای از جمهوری اسلامی عبور کردند. طالبان افغانستان به نحو گسترده تر و قدرتمندتری یک قدم از جمهوری اسلامی و "جماعت مسلح اسلامی" الجزایر عبور کرد و جلوی چشم مردم دنیا زنان را سنگسار کردند، دختران را به جرم مدرسه رفتن سنگسار و کور و نابود کردند، استودیوم های ورزشی را به صحنه جشن اعدام تبدیل کردند، بناهای تاریخی را با خاک یکسان کردند و با افتخار تمام نرمها و قوانین پیشرو بشری را لگدمال نمودند. بعد از چند سال نوبت القاعده رسید که زن و مرد و کودکان را با بیرحمی تمام هدف کشتار جمعی خویش تعریف کرد. و قدرتمندترین جنبش تروریستی قرن را بروی صحنه کشید. برای هیچکس بدتر از طالبان و القاعده دیگر قابل تصور نبود. اما طالبان و القاعده و جمهوری اسلامی و جنایتکاران اسلامی الجزایر و

اسپانیا و ایتالیا و برخی کشورهای دیگر نشان میدهد که علیرغم خوش بینی های موجود و عمومی، تمام دنیای سرمایه داری کنونی با خطری مشابه رودر رو قرار گرفته است. مساله اینست که بالایی ها نمیتوانند حکومت کنند و پایینی ها نمیتوانند. اما آنچه فقدان آن امروز و طی همه این سالها کاملا مشهود بوده است، وجود نیروهای رهبری کننده ای است که آمل و آرزوهای مردم عاصی

فرجه های مناسبی برای تعرض سرمایه داری بازار آزاد به کارگران و کل بشریت با پرچم "پایان کمونیسم" و آزمانخواهی ایجاد کرد. امروز موج برگشت را شاهدیم. شکست بلوک شرق و سرمایه داری دولتی، با بن بست سرمایه داری بازار آزاد کنار هم

امروز بیش از هر زمانی سرمایه داری غرب دچار ایدئولوژیک و اقتصادی و سیاسی است... شکست بلوک شرق و سرمایه داری دولتی، با بن بست سرمایه داری بازار آزاد کنار هم قرار گرفته و به معضلی اساسی و جدی برای کل نظم جهان سرمایه داری تبدیل شده است که دیگر هیچ آلترناتیو روشنی را در برابر خود ندارد.

قرار گرفته و به معضلی اساسی و جدی برای کل نظم جهان سرمایه داری تبدیل شده است که دیگر هیچ آلترناتیو روشنی را در برابر خود ندارد.

انقلاب یا فاشیسم؟

لنین زمانی پیش شرط عینی انقلابات را این تعریف کرده بود که "پایینی ها نخواهند و بالایی ها نتوانند". یعنی وقتی که توده های مردم نظام حاکم را نمی پذیرند و تحمل نمیکند و حاکمین نیز قدرت ادامه سرکوب و به تمکین کشاندن مردم را ندارند، انقلاب میشود. امروز به عیان همین دو شرط اساسی را در جوامع مختلف بدرجات مختلفی شاهدیم. حاکمین در بحران و بن بست و بی افقی اقتصادی و ایدئولوژیک و سیاسی هستند و اکثریت حکومت شونده، دیگر تاب تحمل حکومتها و طبقات حاکم را ندارند و عاصی و در عین حال درمانده شده اند. شاید در کشورهای باثبات تر غربی این چشم انداز کمتر ملموس و محتمل بنظر برسد و خطری بالفعل احساس نشود. اما رشد چشمگیر جریان فوق دست راستی در چندین کشور اروپایی مثل فرانسه و انگلستان و یونان

و بجان آمده را نمایندگی کنند و جامعه را بر متن ناتوانی و بحران حاکمیت بورژوازی یک گام جلو بکشند. چنین خلائی که بدنبال شکست انقلاب اکتبر و بعد از آن فروپاشی بلوک شرق و پراکندگی و حاشیه ای شدن چپ در جهان بوجود آمده، باعث میشود که بجای انقلابات ما شاهد سر برآوردن فاشیسم و واپسگرایی اجتماعی و سیاسی در کشورهای مختلف باشیم. نظام حاکم آشکارا اسیر بحران هژمونی و بی افقی و بی آلترناتیوی اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیک است. این بحران هرروز در این یا آن کشور به صورتهای انفجاری سربلند میکند و خواهد کرد. بر این متن هرجا که این خلاء رهبری رادیکال و انسانی و سوسیالیستی را نیز شاهد باشیم، امکان جلو آمدن انواع دستجات و احزاب فاشیستی و ملی و قومی جدی خواهد بود. این نکته اصلی و بسیار مهمی است. اگر بشریت نتواند این روند را ببیند و با نقشه و برنامه روشنی جلوی آنرا سد کند، تحولات بعدی در یک تکان و بحران اقتصادی و اجتماعی آتی، میتواند بسیار از وضع موجود وحشتناک تر و گسترده تر باشد.

در عین حال باید تاکید کرد که وقتی از فاشیسم سخن میگویم یک مقایسه ساده و الگو سازی از دوره روی کار آمدن نازیسم در آلمان و کشورهای دیگر و فوران جنگ جهانی دوم نیست. بحث اساسی اینست که وقتی طبقات اصلی اجتماعی به هر دلیلی در سیاست ناتوان باشند، و شیرازه اوضاع از هم گسسته شود، بیرحم ترین و مصمم ترین باندها و نیروهایی که در جامعه وجود دارند جلو می پرند و کنترل اوضاع را در دست میگیرند. اینکه نتیجه این وضعیت چه خواهد شد و چه چشم انداز و انفجارات و فجایع و تغییرات دراز مدت تری را جلوی بشریت قرار میدهند، بستگی به بسیاری عوامل سیاسی و اجتماعی دارد که باید جداگانه و بطور مشخص به آنها پرداخت.

این را هم اشاره کنم که وقتی از غیبت چپ سخن میگویم منظور اینست که جهان امروز شدیداً به چپ کارگری و رادیکال و انسان محور نیاز دارد. چپ سنت قرن بیستمی و روسی و آلوده به مذهب و ناسیونالیسم، یعنی جناح چپ بورژوازی، حتی اگر امروز میتواند از حاشیه به متن اجتماعی عبور کند، تحولی متفاوت و انسانی و رو به پیش را نمیتوانست و نمیتواند نمایندگی کند. همین امروز نمونه های بسیاری نشان میدهد که این چپ که اساساً ناسیونالیست است و پرنسیپ و اصولی جز ضد امپریالیسم بودن، ندارد و کل ارزشها و اهداف و حقوق انسانی و ضدیت با کلیت بردگی مزدی سرمایه داری در تمام اشکال و عوارض آن برایش بی معنا و یا حاشیه ای است، با همین پرچم ضد امپریالیسم به دنبال عیان ترین و ضد انسانی ترین فاشیسم مذهبی روان شده است.

بهر رو بحث بهیچوجه این نیست که این فاشیسم از دل جامعه و بعنوان پاسخ خودبخودی یا آگاهانه مردم عاصی سربلند کرده است. برعکس وقتی به ریشه و آبخشور

فاشیسم محصول بن بست سرمایه داری و غیبت چپ

حقوق محروم شدند، مورد تعرض و جنایات بسیار قرار گرفتند، دستگیری و قتل و ترور بی محابای آنها مباح اعلام شد و در فضای بیکاری و فقر و بی حقوقی همه جانبه، این مردم با مشقات خود به حاشیه رانده شدند. این فضا و خشم و نفرت عمومی مردم (حتی مردم بخشهای

محافل سیاسی و غیر سیاسی و حتی باندهای آدم کش وجود دارند و معمولا در حاشیه جامعه و سیاست به حیات خود ادامه میدهند. اما وقتی که شرایط اجتماعی اطراف آنها مساعد شد سرعت جلو می آیند و گسترش می یابند و تولید مثل میکنند. در دو دهه اخیر با عمیق شدن بحران اقتصادی در غرب، و تضعیف و زیر سوال رفتن هژمونی آمریکائی، و بی افقی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بورژوازی بطور کلی، و همچنین تشدید تضادهای طبقاتی در جوامع مختلف و غیبت کامل چپ کارگری و انسان دوست برای پاسخ به خواستهای سیاسی و رفاهی توده مردم عاصی، شرایط مساعدی برای جلو آمدن این نوع فاشیسم در بسیاری از کشورها فراهم شده است.

مورد عراق

نمونه عراق و داعش نمونه هشدار دهنده و قابل توجهی است. در عراق با سرنگونی رژیم بعث و صدام حسین که بررسی دلایل و جوانب آن نیز در راستای همین بحث بسیار مهم است، تمام تلاش آمریکا و غرب این بود که اوضاع را با ایجاد دولت‌های سرهم بندی شده قومی و مذهبی مهار کنند و زیر کنترل بگیرند. هویت‌های قومی و مذهبی بشدت پررنگ شد و مدیای رسمی آنرا باد زدند. همه مردم را بعنوان پیروان شیعه و سنی و کرد و مسیحی و غیره تعریف کردند. دولتهای موزائیکی قومی و مذهبی ای که بر این اساس به سر کار کشیدند، در فضایی از تروریسم و کشتار و از هم گسیختگی اجتماعی، به انتها درجه ممکن کل مردم منتسب به هویت‌های مذهبی و قومی رقیب را زیر فشار قرار دادند. بویژه بخش عظیمی از مردم این کشور که سنی قلمداد میشوند از تمام

تمام جریانات و نیروهای فاشیستی و تروریستی مورد اشاره رجوع کنیم متوجه میشویم و همگان میدانند که تمام نیروهای ارتجاعی و فاشیستی موجود آبشخور واحدی دارند. هم جمهوری اسلامی و هم اسلامی های الجزایر و هم القاعده و فاشیستها و نازیستهای اروپای شرقی و طالبان و امروز داعش، غده های سرطانی ای هستند که در دامان بورژوازی غرب و مشخصا توسط دولت آمریکا زمانی آگاهانه و برای اهداف سیاسی معینی پروبال داده شده و پرورش یافته اند. نکته مهم اینست که اینها پاسخ و الترناتیو آگاهانه و دلخواه آمریکا یا کلا بورژوازی غرب به شرایط موجود نبودند و نیستند. بلکه غده های سرطانی ای هستند که سیستم و نظام و دولتهای حاکم پرورش داده اند اما امروز بر متن یک بحران ریشه دار اجتماعی و سیاسی که نظام و دولتهای حاکم گرفتار آن شده اند، مهارشان رها شده و بسرعت شروع به رشد کرده اند. و دیگر کنترل آنها از دست خود خالقینشان هم خارج شده است. به عبارت دیگر فاشیسم مذهبی و قومی پاسخ و آلترناتیو بورژوازی حاکم در شرایط بی آلترناتیوی و بی افقی است. و نکته دیگر اینست که این اپیدمی امروز در کشورهای اسلام زده به دلیل شرایط ویژه آنها سربلند کرده است، اما صرفا خاورمیانه ای، یا مربوط به کشورهای اسلام زده نیست. بلکه خطر آن در هر کجا که این شرایط با هم جمع شوند وجود دارد. این مهم نیست که اینها چگونه خلق شدند. چنین ویروسهای اجتماعی ضد ارزش و ضد زندگی و ضد بشری ای در تمام جوامع به اشکال مختلف وجود دارند. انواع رنگارنگ چنین جریانات و ویروسهایی در هر جامعه ای و حتی بعضا در درون احزاب رسمی بصورت دستجات و باندها و

جنگ علیه صدام نیز قدرت حکومت و کنترل جامعه را تماما از دست دادند. ادامه این وضعیت است که به دولتهایی مثل عربستان و قطر که در شرایط بحران و ضعف هژمونی جهانی آمریکائی موجودیت خود را در خطر می بینند، امکان انگیزه میدهد که جریانی مثل داعش را به جلو سوق دهند و مهار آنرا رها کنند تا با پول و امکانات و سلاح کافی منطقه را به خاک و خون بکشد. و این نیرو که داعیه و عزم محکمی دارد، و

خود عراق و از جانب مردم عراق جستجو کرد.

از نظر تحلیلی پاسخ وجود دارد و آن اینست که مردم متمدن جهان با اعتراضات میلیونی خود دولتهایی را که پشت این اوضاع دهشتناک هستند زیر ضرب قرار دهند و از آنها بخواهند که به این رقابتها و کشاکشها و کشتارها و حمایت از جریانات ارتجاعی و آدمکش پایان دهند و بساط سناریوسازیهایی که در آن ابتدایی ترین حقوق و معیارهای پایه ای انسانی غایب است، جمع

جهان امروز شدیداً به چپ کارگری و رادیکال و انسان محور نیاز دارد. چپ سنت قرن بیستمی و روسی و آلوده به مذهب و ناسیونالیسم، یعنی جناح چپ بورژوازی، حتی اگر امروز میتواند از حاشیه به متن اجتماعی عبور کند، تحولی متفاوت و انسانی و رو به پیش را نمیتوانست و نمیتواند نمایندگی کند.

کنند. اینکه مردم در کشورهای خود از داعش و تروریستهای اسلام سیاسی ابزار انزجار کنند مفید است اما بطور واقعی مانعی جدی بر سر جنایات این جریان در عراق ایجاد نمیکند. اما اگر مردم شریف جهان خالقین این وضعیت یعنی دولتهای آمریکا و عربستان و جمهوری اسلامی و قطر و امثال آنها را که در همه کشورها جلوی چشمشان حضور رسمی و علنی دارند، زیر ضرب و فشار اعتراضات و مبارزات خود قرار دهند، آنها را علنا مورد

برای رسیدن به اهدافش کاملا مصمم است و از ارعاب و کشتار انسانها جزو استراتژی پایه ای آنست، به سرعت شروع به پیشروی مینماید. به عبارت دیگر اوضاع کنونی عراق و پیشروی داعش نتیجه فروپاشی نظم سیاسی و اجتماعی حاکم، از یک طرف، و از طرف دیگر بیگانگی و نفرت اکثریت مردم از حکومت است. آنهم در شرایطی که هیچ آلترناتیو و نیرو و پاسخ انسانی و سوسیالیستی در چشم انداز این کشور وجود ندارد.

نتیجه چه خواهد شد؟

متأسفانه پاسخ فوری و امید بخشی به منجلا ب و سیاهچال موجودی که در عراق ایجاد شده و هرروز زوایای تاریک تر و وحشتناک تر آن بیشتر نمایان میشود مشاهده نمیگردد. مردم عراق خود نمیتوانند خود را از زیر دست و پای دیوی که اسپرشان کرده و بجانشان انداخته شده خلاص کنند. این مردم دارند بی محابا و وسیعا قربانی میشوند. نه اوضاع جهنمی و منجلا ب خونین موجود ریشه در خود جامعه عراق دارد و نه پاسخ این اوضاع را میتوان فقط در

موسوم به شیعه نشین) از حکومت به دلیل نا امنی و فقر و بی سروسامانی، زمینه مساعدی را برای رقابت دولتهای ارتجاعی منطقه نظیر جمهوری اسلامی و آمریکا و عربستان و قطر و جلو راندن خیل رنگارنگ نیروهای فاشیستی و قومی وابسته به آنها ایجاد نمود. به عبارت دیگر منجلا ب در عراق بوجود آمد که تنها چیزی که در آن رسماً معنا نداشت انسانیت و حقوق انسانی و ارزشهای مدرن و پیشرو بشری بود. وقتی که تمام فضای سیاسی و ایدئولوژیک مسلط بر جامعه، اینچنین به فقها کشیده میشود، روشن است که نیروهایی که بیش از همه این عقب گرد را نمایندگی میکنند دست بالا پیدا میکنند. در یک سو جمهوری اسلامی و امثال مقتدا صدر و مالکی و شرکا، و در سوی دیگر نیز بعشی ها و القاعده و روسای قبایل با هم شروع به رقابت کردند و در این میان مردم از همه طرف مورد تعرض و کشتار قرار گرفتند.

نتیجه این شد که با سرنگونی بعث و صدام حسین، توازن خونین و سیاهی که در سایه یک دیکتاتوری آهنین و بیرحم ایجاد شده بود بهم خورد و فاتحین

فاشیسم محصول بن بست سرمایه داری و غیبت چپ

و بن بستها و کثافات سیاسی و اجتماعی زیر تعرض مردم جهان قرار دهد.

اما همه اینها مشروط به این شرط اساسی است که ما نقطه قوتها و نقاط روشن خود و جامعه را بروشنی بشناسیم و آنها را دست کم نگیریم و روی نقطه قوتهای خود سکوهایی پیشروی های بیشتر را بنا کنیم.

بهمان درجه این مهم است که از نقطه ضعفهای جدی خود ارزیابی روشنی داشته باشیم و تلاشی عملی و نقشه مند را برای کنار زدن ضعفا هرچه زودتر به کار اندازیم. وظیفه ای غول آسا و هرکولی بردوش طبقه کارگر و چپ ایران قرار گرفته است که اگر بتواند از پس انجام آن بر آید،

تحولی اساسی را در سطح دنیا میتواند رقم بزند. سرنگونی جمهوری اسلامی اولین و مهمترین گام در این جهت است. اگر این حکومت اسلامی سرمایه داران به قدرت انقلاب مردم به زیر کشیده شود و حتی حداقل

تحولات ضد دینی و سکولار و آزادیهای سیاسی و حقوق رفاهی مردم عملی شود، چهره منطقه و جهان بلافاصله بعد از این انقلاب به گونه کاملاً متفاوتی خواهد بود. در این زمینه یعنی اوضاع ایران، نقش جنبشهای مختلف اجتماعی و روندهای محتمل آینده، زمینه های مختلفی هستند که بطور جداگانه باید به آنها پرداخت.*

رهبران و چهره ها و شخصیتهای خود، شکل گرفته و جلو آمده اند. جنبش پیشرو و رادیکال کارگری، جنبش جوانان و خلاصی فرهنگی، جنبش برابری زن و مرد، جنبش ضد مذهبی و جنبش ضد اعدام و ضد سنگسار و مدافع حقوق و آزادیهای فردی و امثال اینها، بیانگر این است که فضای جامعه ایران بدرجه زیادی در جهت مخالف اوضاع سیاه موجود در کشورهای دیگر سیر میکند. وجود یک چپ روشن و مدرن و انسانی که منصور حکمت آنرا بنام کمونیسم کارگری تعریف و تبیین کرده است و وجود حزب کمونیست کارگری، بیانگر تفاوتی مهم و

تحولات آتی سیاسی ایران این شانس را دارد که به همه نیروهای پیشرو راه و افق نشان دهد و به مردم منطقه و جهان امید و اعتماد بنفس را بازگرداند. در ایران دیکتاتوری اسلامی سرمایه داران به بست و بحران رسیده است و این حکومت خود یکی از محورهای سناریوی سیاه وفاشیستی در عراق و کشورهای دیگر است

اساسی و حیاتی جامعه ایران با اکثر جوامعی است که خطر یک تازی فاشیسم مذهبی و قومی آنها را تهدید میکند. بدون اغراق ایران در کنار کشورهای دیگری که انقلابات دوره اخیر را پشت سر گذاشته اند میتواند نقطه امید جهان کنونی باشد. میتواند روند اوضاع را برعکس کند و نظم بورژوازی و ضد انسانی موجود را با تمام بحرانهای

ایرانی نیست بلکه خود یک نیروی فعاله کل این اوضاع بین المللی است که پیش چشم ما قرار دارد. در برابر این حکومت مردمی قرار دارند که تجربه یک انقلاب را پشت سر گذاشته اند، با سنتها و قوانین و معیارهای ضد انسانی آن در افتاده اند و در این جنگ و کشاکش، جنبشهای اجتماعی پیشرو کارگران و زنان و جوانان و مردم بجان آمده با

میتوانند با آموزه ها و تجربیات خویش بعنوان بازی کنان پیشرو جوامع در شرایط جدید به صحنه بازگردند.

این مهم است که برای نمونه در مصر یک انقلاب اجتماعی دیکتاتوری پروغری مبارک را سرنگون کرد و بعد از آن نیز میلیونها نفر از مردم علیه سلطه اسلام گرایان به خیابان آمدند و آنها را عقب راندند. این مهم است که در تونس نیز جنبش سکولار و متمایل به چپ نیروهای اسلامی را از قدرت عقب راند. در تونس هنوز جنگ و جدال و کشاکش ادامه دارد و سکولارها مجموعاً دست بالا را دارند اما در مصر ارتش دوباره

به قدرت خزیده و تلاش میکند نظم سابق را بازسازی کند. اما علیرغم این در هردوی این کشورها کمر ارتجاع مذهبی شکسته است. آینده نشان خواهد داد که علیرغم عدم پیروزی همه جانبه انقلاب در این کشورها نفس همین پیشروی ها و تحولات ضد دیکتاتوری و ضد اسلامی چه اهمیت تاریخی ای

در نتیجه روند اوضاع امروز عراق تا مدتها به احتمال زیاد ادامه همین وضعیت اسفناک خواهد بود. ترکشهای این وضعیت و اثرات مخرب و واپس گرایانه آن در دیگر کشورها و در گوشه و کنار جهان نیز بدرجات مختلف احساس خواهد گذاشت. که این خود به بحث جداگانه ای نیاز دارد. دولتهای دخیل و مشخصاً دولتهای غربی تلاش میکنند بعنوان "ناجیان مردم آواره و بی پناه"، از "زیاده رویهای" داعش جلوگیری کنند.

اما همچون سیاست آمریکا در قبال طالبان در افغانستان نه توان نابودی آنها را دارند و نه خواست آنرا. نتیجه میتواند بعد از یک دوره کشتار و بیرحمی و جنگ و ترور، ایجاد یک توازن جدید بر پایه همان معیارهای

قومی و مذهبی که اکنون تشدید شده باشد که این بار نیروهای داعشی نیز در آن هضم و شریک میشوند. شاید تجزیه عراق به چند بخش اولین گام چنین توازنی باشد که یک بخش را بعنوان "شیعی" و یک بخش را بعنوان "سنی" و بخش دیگر را بعنوان "کرد" تعریف میکنند. قهقراي موجود به حدی تاریک است که حتی چنین توازن و تحولی نیز نمیتواند مورد استقبال بخشهایی از مردم برای نجات از وضعیت موجود قرار گیرد. اما این بهیچ وجه به معنای پایان یا حتی تخفیف بحران و منجلا ب سیاسی و جنایات نخواهد بود.

نقاط روشن و امید بخش

اگر چشم انداز امید بخشی قابل تصور باشد از نقاط روشنی که طی دهه های اخیر شاهد بوده ایم میتوانست استنتاج شود. انقلابات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا یک تحول مهم از این نمونه بود. خود انقلاب ۵۷ ایران نمونه ای از حرکت توده ای برای



ژورنال روزانه را بخوانید!

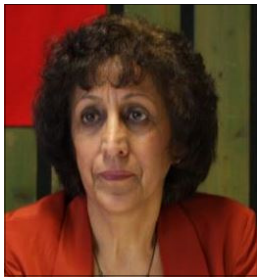
ژورنال همه روزه بجز جمعه ها منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض و مبارزه

شهلا دانشفر



مبارزات این کارگران هستند. کارگران نیشکر هفت تپه تجربه ارزنده ای از دخالت فعال خانواده ها در مبارزاتشان در سال ۸۶ دارند. به میدان آوردن این نیرو نیز بخش دیگری از راه عملی برای قدرتیابی مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است.

زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه!

بیانیه ۶ ماده ای تاریخی کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۸۶

۱- شورای اسلامی را مانع تشکل خود می دانیم. ما درانتخابات شورای اسلامی شرکت نمی کنیم و شورای اسلامی باید منحل شود.

۲- ما هر پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ عصر جمع می شویم و درمورد شرایط کار خودمان تصمیم می گیریم. و مجمع عمومی خودمان را تشکیل می دهیم. مجمع عمومی تشکل واقعی ما کارگران است. ما تشکل سندیکا را حق خود می شماریم.

۳- ما خواهان انعقاد قرارداد با همه کارگران قراردادی و بازگشت آنها به کار هستیم.

۴- ما خواهان پرداخت فوری همه طلب هایمان با پاداش و بن هستیم.

۵- ما خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستیم.

۶- ما خواهان برشمردن کار ما بعنوان کار سخت و زیان آور هستیم.

ما تا رسیدن به خواسته هایمان به اعتراضات خود ادامه می دهیم و از مدیریت جدید می خواهیم به خواسته های ما فوراً پاسخ دهد.

کارگران نیشکر هفت تپه

۲۴ مهر ۸۶

در جریان اجتماعات بزرگ خود و تصمیم گیری های جمعی شان سندیکای نیشکر هفت تپه شکل گرفت.

هنوز خاطره مبارزات با شکوه سال ۸۶ کارگران نیشکر هفت تپه در اذهان زنده است، وقتی که این کارگران فریاد میزدند: "کارگر هفته تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم." و متحدانه حق و حقوقشان را طلب میکردند. هنوز مارش با شکوه این کارگران در خیابان های شوش در همان سال در یادها باقیست وقتی که کارگران راهپیمایی کردند و شعار میدادند کارگر زندانی آزاد باید گردد.

کارگران هفت تپه در سال ۸۶ توانستند با قدرت جمعیتشان و برپایی مجمع عمومی و تصمیم جمعی شان، دستمزدهای معوقه خود را نقد کنند. این کارگران توانستند طومار جمع کنند و با گذاشتن صندوق رای در وسط کارخانه هیات مدیره سندیکایشان را انتخاب کنند و موجودیت تشکل خود را اعلام نمایند.

بیانیه دادند و بر مجمع عمومی به عنوان مکانی برای متشکل شدن و سازمانیافتن مبارزاتشان تاکید کردند که خطوط آن بیانیه هنوز نیاز میتوانند راهنمای عمل این کارگران باشد و متن آنرا در همین نوشته ضمیمه میکنم. این کارگران امروز نیز میتوانند با همان قدرت نه تنها خواستهای فوری همین امروز خود را متحقق کنند، بلکه پرچم خواست افزایش فوری دستمزدها را به دست گیرند و به صف ۴۰ هزار کارگر با طومار بر سر خواست افزایش دستمزدها پیبوندند.

بالاخره اینکه خانواده های کارگران نیروی مهمی در

مبارزاتشان در برابر بیکارسازیها ایستاده و توانسته اند جلوی اخراج ها را بگیرند. بدین ترتیب نیشکر هفت تپه اسم آشنایی برای همه و یک کانون اعتراضی داغ کارگری است که مبارزات کارگران این کارخانه همواره بر فضای اعتراضی این شهر و کارخانجات همجوار آن تاثیر



گذاشته است.

در نیشکر هفت تپه کارگران تجربه کرده اند که تنها راه گرفتن حق و حقوقشان اعتراض و مبارزه آنهاست. کارگران این کارخانه در مبارزات سالهای اخیرشان دوره های باشکوهی از اعتراض و مبارزه را پشت سر گذاشته اند که درسهای آموزنده ای برای خود آنها و کل جنبش کارگری داشته است. این کارگران با مبارزات جانانه شان در سال ۸۶ توانستند برای جمعیت میلیونی کارگرانی که با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرویند، راه نشان دهند. همانموقع یک قرارشان این بود که به محض به تعویق افتادن دستمزدهای خود، ساکت نشینند و حقشان را طلب کنند و همیشه همین کار را هم کرده اند. از دل آن مبارزات نیز این کارگران متشکل بیرون آمدند و

است. زیر فشار اعتراض کارگران "ترکاشوند" رئیس اداره کل تامین اجتماعی استان خوزستان اعلام کرده است که بر اساس توافق اداره کل تامین اجتماعی استان با کارفرمای کارخانه نیشکر هفت تپه مشکلی در خصوص دریافت لیست بیمه ای بدون پول برای کارگران این واحد تا پایان مرداد

دو هفته است که کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض و مبارزه بسر میبرند. این کارگران صبح روز ۲۷ مرداد در دوازدهمین روز اعتصاب خود در مقابل ساختمان امور اداری این واحد تولیدی به تجمع خود ادامه دادند. این در حالیست که مدیران شرکت نیشکر هفت تپه به بهانه مرخصی این مجموعه را ترک کرده و نیروهای امنیتی حضور مستمری در این مرکز صنعتی دارند.

خواست کارگران نیشکر هفت تپه دریافت حقوق معوقه (ماههای خرداد و تیر) و بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل است. معنای عملی اجرای این طرح نیز افزایش سطح دستمزدهایشان است. این کارگران ۵۰ درصد از حقوق خرداد و حقوق کامل تیر ماه را از کارفرما طلبکارند و از سال ۸۳ که طرح طبقه بندی مشاغل در مجتمع کشت و صنعت هفت تپه اجرایی شده است، هنوز هیچ بازنگری ای در افزایش حقوق آنان انجام نشده است. بعلاوه با وجود اینکه کارفرما هر ماه بابت پرداخت بیمه تامین اجتماعی مبلغی را از حقوق کارگران کسر می کند اما طی دو ماه گذشته حق بیمه به تامین اجتماعی پرداخت نشده و دفترچه های درمانی کارگران فاقد اعتبار شده است. از همین

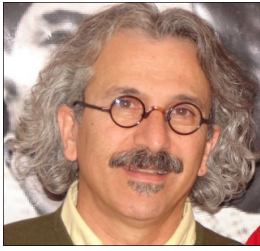
ماه وجود ندارد و آنها منتظر دریافت لیست بیمه ای کارگران از سوی کارفرما هستند و به محض دریافت این لیست دفترچه های فاقد اعتبار معتبر خواهند شد.

هم اکنون حدود دو هزار کارگر در این کارخانه به کار اشتغال دارند و این کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواسته هایشان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

یک موضوع قابل توجه در نیشکر هفت تپه اینست که این کارگران هیچگاه اجازه نداده اند که پرداخت دستمزدهایشان به تعویق افتد و نه تنها این بلکه با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل خواستار افزایش فوری سطح دستمزدهایشان هستند. مبارزات امروز این کارگران نیز در همین راستا است.

این کارگران بارها و بارها با

رو کارگران نیشکر هفت تپه علاوه بر دریافت حقوق خواهان تسویه حساب کامل کارفرما با سازمان تامین اجتماعی بابت حق بیمه کارگران هستند. در پاسخ به اعتراض کارگران به این موضوع کارفرما مدعی است که اداره تامین اجتماعی شعبه شهید زادمهر هفت تپه را مقصر خوانده است که از دریافت لیست بیمه ای کارگران خودداری کرده



ادامه مذاکرات هسته ای و تناقضات خرد کننده رژیم اسلامی

علی جوادی

رژیم اسلامی چه با توافق با غرب بر سر مساله هسته ای و چه در غیاب آن در موقعیت شکننده ای قرار گرفته است. در هر حال با مردمی مواجه است که حکم به سرنگونی اش داده اند و از این حکم مردم راه فراری ندارند.

پاسخ به این سؤال که آیا رژیم اسلامی میتواند به توافقی با کشورهای ۵ بعلاوه ۱ علیرغم "نرمش قهرمانانه" خامنه ای دست پیدا کند از قرار برای خود رژیم اسلامی هم این روزها چندان روشن نیست. واقعیت این است که این مساله خود به یکی از معضلات خرد کننده رژیم اسلامی و عاملی در تشدید کشمکشهای درونی رژیم تبدیل شده است. این مجموعه اکنون سرنوشت این مذاکرات را در هاله ای از ابهام قرار داده است. گفته های زیر بیان گوشه ای از تناقضات رژیم اسلامی در این چهارچوب است:

روحانی در پس جنجالهای جریان راست موسوم به "دلواپسیون" در جمع سفرای حکومت اسلامی گفت: "به جهنم که از مذاکره می ترسید..." یک عده به ظاهر شعار میدهند ولی بزدل سیاسی اند. هر وقت می خواهد مذاکره شود یک عده میگویند ما داریم می لرزیم. خب به جهنم! بروید یک جای گرم پیدا کنید برای خودتان... ما چه کار کنیم... و امیدش را اینطور بیان کرد: "حتی میتوانیم به یک روابط عادی در آینده برسیم و اگر اطمینان پیدا کنیم منافع ما تضمین است، خط قرمز هیچ چیز منافع ملی ما نیست."

اما درست دور روز بعد خامنه ای در جمع وزیر و سفیران و مدیران ارشد وزارت امور خارجه گفت: "رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور به جز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه تنها هیچ نفعی ندارد

بکه ضرر هم دارد و کدام آدم عاقلی است که به دنبال کار بی منفعت برود." و ادامه داد: "عده ای اینجور وانمود می کردند که اگر با آمریکایی ها دور میز مذاکره بنشینیم بسیاری از مشکلات حل میشود، البته میدانستیم اینجور نیست اما قضایای یکسال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد." و آب سردی بر سر دولت "امید" و "تدبیر" ش ریخت.

اما این تناقضات به کدام واقعیاتی اشاره دارند؟ چرا رژیم اسلامی وارد مذاکره مستقیم با آمریکا شد؟ چرا اکنون خامنه ای تغییر تاکتیک داده است؟ کدام فاکتورها و عواملی این تغییرات را توضیح میدهند؟

واقعیت این است که مساله رابطه با آمریکا امروز به کلیدی ترین معضل بین المللی و داخلی رژیم اسلامی تبدیل شده است. دولت "تدبیر و امید" تمام "امید" و "تدبیر" برای تضمین بقاء عمر سیاه رژیم اسلامی به این مساله گره خورده است. روحانی با این پلاتفرم در درون رژیم اسلامی به جلوی صف رانده شد و خامنه ای هم "امیدش" را به این پروژة گره زد و بارها به درگاه "باری تعالی اش" برای پیروزی تیم مذاکره کننده دعا کرده است.

اما مذاکرات گسترده با کشورهای ۵ + ۱ و همچنین مذاکره دو طرفه با هیات آمریکایی بر سر "بحران هسته ای" برای طرفین زیر مجموعه ای از یک واقعیت مهمتر سیاسی است. مساله بر سر بود

و نبود رژیم اسلامی است. مساله برای رژیم اسلامی کنار زدن خطر جنگ و حاشیه ای کردن احتمال حمله نظامی است. در طرف دیگر، مساله برای آمریکا و متحدین اش بر سر رام کردن و مطیع کردن رژیم اسلامی در منطقه و در سطح جهان است. و مساله هسته ای مجرای برای تعیین و تکلیف این مسائل اساسی است. در همین رابطه اخیرا روشن شده است که محمد البرادعی مدیر سازمان انرژی اتمی به مسئولان حکومتی گفته بود: "اگر میخواهید گره پرونده هسته ای تان باز شود بروید مشکل روابطتان را با آمریکایی ها حل کنید."

رابطه با آمریکا یک مساله حساس و گرهی در صفوف رژیم اسلامی است. یک رکن موجودیت و فلسفه حکومتی رژیم اسلامی بر ضد آمریکایی گری کور بنا شده است. ضد آمریکایی گری و تلاش برای گره زدن خود به اعتراضات و انزجار برحق بخشهای وسیعی از مردم خاورمیانه علیه سیاستهای میلیتاریستی و قلدردمنشانه آمریکا یک سیاست همیشگی رژیم اسلامی بوده است. اما قرار گرفتن در صف نیروهای "محور شر"، بالا گرفتن تناقضات رژیم اسلامی و آمریکا و اسرائیل و مطرح شدن جدی گزینه نظامی و اعمال سیاست ضد انسانی تحریم اقتصادی کلا رژیم اسلامی را در موقعیت وخیم و شکننده ای قرار داده بود. یا باید بر ادامه سیاستهای تاکتونی، که در

دوران احمدی نژاد به اوج خود رسیده بود، تاکید میکردند یا باید عقب نشینی میکردند و تغییر ریل میدادند. خامنه ای در راس رژیم اسلامی آلترناتیو دوم را در دستور حکومت قرار داد و به دنبال آن روحانی و جناح "اعتدالیون" برای پیشبرد این سیاست در راس قوه اجرایی رژیم اسلامی قرار گرفتند.

خامنه ای به دنبال یک تعادل غیر ممکن بود. بر این تصور پوچ بود که میتوانند با "نرمش قهرمانانه" و سازش و عقب نشینی هایی در زمینه اتمی بتوانند گزینه حمله نظامی و تشدید تحریمهای اقتصادی را از بالای سر رژیم شان برداشته اما موقعیت خود و رژیم اسلامی را کماکان به صورت گذشته حفظ کنند. تصور میکردند که میتوانند بر طبل سیاستهای کور ضد آمریکایی گری خود بکوبند و در عین حال از حوزه کشورهای "محور شرارت" خارج شده و روابط نرمالیزه شده تری با غرب و بعضا آمریکا داشته باشند. اما قابل تصور بود که پروسه مذاکرات بر مبنای تصورات پوچ خامنه ای پیش نخواهد رفت. روشن بود که مساله محدود به موقعیت اتمی رژیم اسلامی نیست، فراتر است. همه جانبه تر است. بر سر موقعیت و مناسبات رژیم اسلامی با غرب در جهان کنونی است، بر سر مساله فلسطین، اسرائیل و لبنان و عراق است.

عدم دستیابی به توافق، علیرغم عقب نشینی های رژیم اسلامی در مسائلی از جمله میزان اورانیوم غنی شده، مساله راکتور آب سنگین و تعداد سانتریفوژهای رژیم، این نکته را برای جناح راست و خامنه ای روشن کرده است که نمیتوانند به توافقی بر سر

مساله ای هسته ای دست یابند بدون اینکه به توافقی عمومی تر در قبال مناسبات با آمریکا دست یابند. و این بهایی است که جناح راست و خامنه ای به سادگی قادر به پرداخت هزینه آن نیستند. میدانند که پایه های رژیم شان در پس چنین عقب نشینی و تغییر ریلی دچار ضربات جدی ای خواهد شد. میدانند که نمیتوانند موقعیت سیاسی خود را به سادگی در قبال مردمی که در کمین رژیم نشسته اند، حفظ کنند.

و این یک روی سکه است. جناح "پرو غربی" درون رژیم، مدافعان حل تناقضات رژیم اسلامی و آمریکا حاضر نیستند به این سیاستهای جناح راست و خامنه ای به سادگی تن دهند. آنها "کلید" نجات رژیم از موقعیت وخیم کنونی را در بهبود و عادی سازی مناسبات رژیم اسلامی با غرب میدانند. بر این باورند که چنانچه سیاست رو در رویی مستقیم و تشدید تخصصات جناح راست ادامه یابد رژیم اسلامی را به یک رو در رویی نظامی خواهد کشاند که برای رژیم عمیقا مخاطره آمیز خواهد بود. از این رو به سادگی حاضر به عقب نشینی نیستند.

اما در اینجا باید به نقش هیولای اسلامی داعش در روند توافقات و محاسبات طرفین نیز اشاره ای کرد. در این واقعیت تردیدی نیست که عروج داعش در سوریه و چرخش و سرازیر شدن آن به طرف عراق از جانب هیات حاکمه آمریکا با مخالفت چندانی مواجه نشد. پی آمدهای اولیه این سیاست کاملا روشن بود. بخشهای وسیعی از عراق به سرعت از حوزه نفوذ حکومت اسلامی عراق و به تبع آن از حوزه نفوذ رژیم اسلامی خارج

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

نقطه درخشانی در مبارزه علیه توحش اسلامی!

جنبش شورانگیزی که هفته قبل علیه داعش و برای کمک رسانی به آوارگان قربانی این نیروی آدمخوار در شهرهای کردستان آغاز شد همچنان رو به گسترش است و به شهرهای دیگر نظیر ارومیه و کرمانشاه نیز بسط یافته است. این حرکت در خاورمیانه ای که به میدان یکه تازی سیاه ترین و هارترین دولت‌ها و نیروهای اسلامی و به آزمایشگاه سیاست‌های میلیتاریستی آمریکا و غرب تبدیل شده است، اولین گام در جهت راه انسانی برون رفت از وضعیت فاجعه باری است که دشمنان مردم در منطقه ایجاد کرده اند. در بطن و محور حرکت مردم انساندوستی عمیقی نهفته است که در نقطه مقابل اهداف و سیاست‌های کلیه دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی موافق و مخالف با داعش قرار دارد. به همین دلیل است که جمهوری اسلامی تلاش میکند به انحاء گوناگون در برابر این حرکت مردم سد و مانع ایجاد کند و آنرا

تحت کنترل خود بگیرد. در ابتدای پیشرویهای داعش در عراق برخی از سازمانها و فعالین اپوزیسیون نگران سر بلند کردن نیروهای سلفی طرفدار داعش در شهرهای ایران بودند. جمع محدودی از این نیروها نیز در بعضی از شهرهای کردستان تلاش کردند خودی نشان بدهند. اکنون جنبش انسانی مردم شهرهای کردستان ایران پاسخی به این نگرانی‌ها و تلاشها نیز هست. این جنبش يك بار دیگر نشان میدهد که جامعه ایران در صف مقدم مبارزه با نیروها و دولت‌های اسلامی قرار دارد. این موقعیت حاصل بیش از سه دهه مبارزه بی وقفه مردم ایران و مردم کردستان علیه سلطه يك حکومت سرکوبگر اسلامی است. حرکت اعتراضی مردم ایران علیه داعش بعنوان نقطه درخشانی در مبارزه علیه توحش نیروها و دولت‌های اسلامی در ایران و در منطقه ثبت خواهد شد. *

موج تازه اعتراض در دانشگاهها!

"امروز خطری در دانشگاه‌ها وجود دارد؛ دانشگاه‌ها آستان فتنه جدیدی می‌شود؛ باید به تکلیفمان عمل کنیم و به عواقب نگاه نکنیم... باید از حجابی که همسر فرجی دانا هم دارد دفاع کنیم؛ امروز این ارزش‌ها زیر سوال است. باید دفاع کنیم." این بخشی از سخنان يك نماینده مجلس اسلامی در دفاع از استیضاح فرجی دانا، وزیر علوم، است. او را استیضاح و از کار بر کنار کردند چون ظاهراً در برخورد به جنب و جوش سیاسی مخالفین در دانشگاهها قاطع نبوده است. نماینده ای می‌گوید: "طی يك سال گذشته بیش از چهل تشکل سیاسی در دانشگاه‌ها تشکیل شده است و بررسی کنید ببینید چه گرایش‌هایی

امینیتی و غیره نیز کار چندانی ساخته نیست. دانشگاهها همیشه در صف اول اعتراض و مبارزه علیه جمهوری اسلامی و مقامات و ارزشها و مقدسات ضد انسانی اش قرار داشته است. مشکل حکومت ضعف وزیر علوم و ناتوانی اش در برخورد به "توهین" به سرتاپای نظام جمهوری اسلامی نیست، درد لاعلاج حکومت نارضائی عمیق و وسیع کل جامعه است و دانشگاهها تنها بازتاب و نماینده این تنفر و نارضائی عمومی از جمهوری اسلامی هستند. راه حل برکنار کردن این یا آن وزیر نیست، کل حکومت باید برکنار بشود. *

فلاکت اقتصادی و افراطی گری نوع داعش و بوکوحرام!

کار کل نظام جمهوری اسلامی است. به لیست داعش و بوکوحرام و طالبان و القاعده باید جمهوری اسلامی را هم اضافه کرد. آمار کسانی که تحت حاکمیت حکومت اسلامی در ایران به جوخه های اعدام سپرده شده اند، در زندانهای جمهوری اسلامی و در اثر شکنجه جانیشان را از دست داده اند، در سلسه قتل‌های زنجیره ای به قتل رسیده اند و یا در خارج کشور ترور شده اند از مجموع قربانیان داعش و طالبان و القاعده و بوکو حرام بیشتر است. يك قلم آمار کشته شدگان تابستان ۶۷ از مجموع جنایات دیگر گروههای تروریست اسلامی پیشی می‌گیرد. در ضدیت و مقابله با تمدن و فرهنگ مدرن و پیشرو، و حتی مخالفت باشادی جوانان و در اعمال آپارتاید جنسی و تبعیض و توهین و تحقیر نسبت به زنان نیز فرق اساسی و کیفی ای بین سیاستهای جمهوری اسلامی و امثال داعش و بوکوحرام وجود ندارد. جنایات این گروهها همه از يك ایدئولوژی و فلسفه سیاسی و حکومتی نشات می‌گیرند. خلافت نوع داعش و ولایت فقیه نوع جمهوری اسلامی شاخه های مختلفی هستند از جهان بینی واحد و بغایت عقب مانده و ارتجاعی اسلامی.

جمهوری اسلامی با دزدیها و فساد و چپاولگری، با سرکوب و کشتار، و با فقر و فلاکتی که به بار آورده است نه تنها "زیبنده ایران"، بلکه زیبنده هیچ کشوری در دنیای قرن بیست و یکم نیست. سرنگونی این حکومت بقدرت انقلاب مردم، زیر پای داعش و بوکوحرام و طالبان و دیگر وحوش اسلامی را نیز جارو خواهد کرد. *

"اولین شاخص اوضاع ما، بیکاری جوانان ماست که نشان از رکود است و رکود وقتی با تورم همراه شود، فلاکت سر بر می آورد که زیبنده کشوری مثل ایران نیست."

هاشمی رفسنجانی

بیکاری، رکود و تورم سه "دستاورد" اقتصادی جمهوری اسلامی است که فی الحال به فلاکت بخش وسیعی از کارگران و حقوق بگیران جزء منجر شده است. اما ریشه و علت مساله چیست؟ بحران اقتصادی جهانی، بی لیاقتی دولت گذشته، سوء مدیریت، دزدیهای نجومی مقامات و آیت الله‌ها، فساد همه جانبه کل حکومت... همه این عوامل در ایجاد وضعیت فلاکت بار اقتصادی نقش داشته اند اما ریشه این وضعیت قبل از هر چیز سیاسی است. اساس مساله وجود حکومتی است که بندگان را با دزدی و چپاول و رانتخواری و اختلاسهای چند صد میلیارد دلاری بریده اند. حکومت باندهای مافیائی آیت الله‌ها و آقازاده‌ها و اعوان و انصارشان. جناب رفسنجانی خود سردرسته یکی از این باندهای مافیائی است.

چماق سرکوب این باندها اسلام و قوانین اسلامی است. در ایران جمهوری اسلامی تفاوت فاحش میان دره فقر توده های مردم و ثروت نجومی باندهای حاکم با چماق اسلام تامین و بازتولید و حراست و نگهداری میشود. رفسنجانی در همین سخنان در انتقاد از باند اصولگراها می‌گوید: "نتیجه افراط گرایی، ظهور گروه‌هایی چون بوکوحرام، داعش، طالبان و القاعده است که کشتار مردم را وظیفه خویش می‌دانند." اما کشتار مردم در ایران تنها کار افراطیون حکومتی نیست، ثمره

وزارت اطلاعات رژیم تعدادی از کمک کنندگان به مردم شنگال را احضار کرد

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز سه شنبه ۲۰ اوت ۲۰۱۴ وزارت اطلاعات رژیم در سنجیدگی تعدادی از شهروندان سنجیدگی را احضار و از آنها تعهد کتبی گرفته است که کاری به مسایل کمک کردن و حمایت از مردم شنگال نداشته باشند. همچنانکه قبلا هم اعلام کردیم جمهوری اسلامی به انحاء مختلف تلاش کرده و میکند که در مقابل موج رو به ازدیاد کمک کنندگان به مردم آواره شنگال مانع تراشی کند. یک روز پلاکاردهای نصب شده بر چادرها را با خود بردند و روز دیگر حساب بانکی برای کمک به مردم شنگال را در سردشت بستند و روزی گفتند که کمکها را برای غزه و

مردم کردستان عراق تقسیم میکنند و امروز رسماً تعدادی را احضار کرده و از آنها تعهد گرفته اند که دست از کمک و همیاری برای مردم شنگال بردارند.

این اقدامات ضد انسانی جمهوری اسلامی تا کنون نتوانسته است مانع جدی ای در مقابل کمک کردن مردم به آوارگان شنگال ایجاد کند. اما ترس و نگرانی رژیم قابل درک است زیرا این حرکت نشان داد که مردم آزادیخواه و انساندوست کردستان علیرغم شرایط سخت زندگی خودشان حس همکاری و انسان دوستی را با نهایت دلسوزی و درک بالایی به نمایش گذاشتند. همین اقدام باعث بوجود آمدن اتحاد

و همبستگی مردم شده است و رژیم از این همبستگی نگران است.

کمیته کردستان حزب ضمن ارج نهادن اقدام مردم برای کمک به آواره گان شنگال، از همه مردم کردستان میخواهد که حمایت از مردم شنگال را به انحاء مختلف سازمان داده و پیش ببرند. مردم باید مواظب توطئه ها و دسیسه های جمهوری اسلامی باشند و یکی بعد از دیگری باید دسیسه های این جانیان را خنثی کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اوت ۲۰۱۴

مردم سنجیدگی در حمایت از مردم شنگال تظاهرات کردند

بعد از تجمع اعتراضی مردم مریوان و کرمانشاه و سردشت امروز عصر ۳۰ مرداد ۱۳۹۳ مردم سنجیدگی علیه داعش و در حمایت از مردم شنگال به خیابان آمدند.

ابتدا جمعی از فعالین سنجیدگی و مردم آزادیخواه در خیابان فردوسی دست به تجمع زدند و راهپیمایی به سمت سه راه نمکی را آغاز کردند. تظاهر کنندگان با شعار مرگ بر داعش و با محکوم نمودن جنایات تروریستی این گروه اسلامی در عراق حمایت خود را از مردم جنگ زده این کشور به خصوص مردم آواره شنگال اعلام کردند. اما نیروهای انتظامی داعشهای

حاکم بر ایران خیابان را به طور کامل قرق کرده بودند. با اینحال مردم با بلند کردن تراکت و سر دادن شعار راهپیمایی را ادامه دادند.

نیروهای انتظامی ابتدا با تهدید و نمایش قدرت خواستند مردم تجمع نکنند، ولی هنگامیکه متوجه شدند مردم در ادامه راهپیمایی مصمم هستند، تظاهر کنندگان را مورد هجوم قرار داده و طبق خبری که به ما رسیده است دو نفر از تجمع کنندگان را دستگیر کرده اند. کوروش بخشنده و زانیار دباغیان توسط مامورین بازداشت شدند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری یک

بار دیگر به تظاهر کنندگان و همه مردم آزادیخواه سنجیدگی درود میفرستند و همه آنها را فرامیخواند برای آزادی دستگیر شدگان فوراً دست بکار شوند و اعلام کنند کسی که این انسانهای شریف را دستگیر میکند فوراً باید مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرد، زیرا این همراهی مستقیم با داعش است و داعشها و سلفیها از جانب مردم قابل تحمل نیست.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ مرداد ۱۳۹۳

از صفحه ۶

ادامه مذاکرات هسته ای و تناقضات خرد کننده رژیم اسلامی

شدند. این تغییرات موقعیت رژیم اسلامی را کاملاً تحت تاثیر خود قرار میداد. اما گسترش عملیات حکومت اسلامی داعش و تعرض به سمت اربیل در کردستان از ارزش مصرف داعش برای آمریکا کاسته و جوانب مخرب چنین سیاستی را برایشان روشن

کرد. نتیجتاً ناچار به حمله نظامی محدود برای کنترل داعش شدند. اما نه حملاتی برای نابودی آن. هدف کنترل و محدود کردن دامنه تعرض و نه نابودی این جریان اعلام شد. و مساله این است که به میزانی که از ارزش مصرف داعش برای آمریکا کاسته شده است به همان

میزان موقعیت و جهت گیری های رژیم اسلامی برای مقابله با آن و همسویی با غرب افزایش یافته است. بی جهت نیست که شاهد آنیم که هم برخی از مقامات دولت انگلیس و هم رژیم اسلامی بر ضرورت همسویی و انجام اقداماتی موازی در مقابله با داعش

تاکید میکنند. جناح راست بر این تصور است که برای مقابله با داعش به نیروی کمکی رژیم اسلامی نیازمندند و نتیجتاً این برگ برنده ای برای امتیاز گیری در مذاکرات بر سر مساله هسته ای رژیم اسلامی است!

آیا تغییرات معادلات سیاسی منطقه میتواند اهرمی در اختیار رژیم اسلامی و جناح راست قرار دهد؟ مساله این است که زمان علییه رژیم اسلامی است. هر چه بیشتر به ۲۶ نوامبر پایان دوره ۴ ماهه

اعلام شده برای کسب توافقات نزدیک شویم شاهد تشدید درگیری های درونی رژیم اسلامی خواهیم بود. واقعیت این است که رژیم اسلامی چه با توافق با غرب بر سر مساله هسته ای و چه در غیاب آن در موقعیت شکننده ای قرار گرفته است. در هر حال با مردمی مواجه است که حکم به سرنگونی اش داده اند و از این حکم مردم راه فراری ندارند. *

Workers and Revolution in the Middle East کارگران و انقلاب در خاورمیانه

فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران برای نجات جان بقیه زندانیان محکوم به اعدام در زندان قزل حصار



نگهداشتند. خبرهای بدست آمده حاکی از کشته شدن دهها نفر و زخمی شدن بیش از ۵۰۰ نفر هستند و خبر غیر موثق دیگر است که گفته می شود ۵۳ نفر با تیر مستقیم کشته شده اند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران قتل عام زندانیان محکوم به اعدام واحد ۲ زندان قزل حصار را شدیداً محکوم نموده و تمامی انسانهای آزادیخواه و وجدانهای بیدار را به اعتراض شدید در مقابل این جنایت وحشیانه بر علیه بشریت و انسانهای دست بسته فرا می خواند. از چند و چون قتل عام زندانیان شورشی در قزل حصار و عمق فاجعه هنوز اطلاعات دقیق بدست نیامده است. ولی اخبار به بیرون درز کرده حکایت از کشتاری بی رحمانه دارد. بند دو زندان قزل حصار محل نگهداری زندانیان زیر اعدام است و زندانیان این واحد دائماً تحت فشار روحی و روانی و استرس هستند. اینکه هر لحظه ممکن است برای اعدام نامشان را بخوانند و همچنین هر روز تعدادی را صدا کرده برای اعدام به انفرادی می برند و این شرایط برزخی در واحد دو زندان قزل حصار باعث گردیده زندانیان بطور دائم آماده شورش و اعتراض باشند در نتیجه طبق اخبار رسیده از نیمه های شب گذشته زندانیان واحد ۲ برای جلوگیری از بردن دوستانشان جهت اعدام دست به شورش زده اند و ماموران گارد مستقر در قزل حصار توانایی سرکوب را نداشتند در نتیجه تمامی ماموران گوهر دشت و اوین را نیز به کمک گارد سرکوب مستقر در قزل حصار فرستادند و چون دیگر گارد سرکوب در گوهر دشت حضور نداشت از ترسشان تا ساعت چهار بعد از ظهر که نیروهای گارد سرکوب از قزل حصار برگشتند درب سالن های زندان گوهر دشت را قفل دار

سرنگون باد جمهوری مرگ و وحشت اسلامی در ایران و سایر نقاط جهان.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران CFPPPI
سه شنبه ۲۸ مرداد ماه ۱۳۹۳

Campaign to Free Political Prisoners in Iran (CFPPPI)

Sarvar Kardar
Coordinator
+47 (0) 4133 3268
freepoliticalprisoners@gmail.com

کنفرانسی بین المللی، ۶ سپتامبر ۲۰۱۴، ۱۵ شهریور

زمان: ۱۱ صبح تا ۸ شب به وقت سوئد،
۸ تا ۱۰ شب جشن همبستگی کارگری

Stockholm: Kista Träff i Kista torg, Kista

برگزار کننده کنفرانس: کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران

سخنرانان:

هدا کامل- مصر، هاتم لایین- تونس، اکرم ندیر- عراق،

یوران گوستاوسون- سوئد، حمید تقوایی- ایران،

پاسکال دکامپ- فرانسه، شهلا دانشفر- ایران، رضا رشیدی- ایران

در این کنفرانس گرد می آیم تا در مورد راههای ایجاد همبستگی با مبارزات کارگران در خاورمیانه و شمال آفریقا هم نظری کنیم

موضوعات اصلی مورد بحث در کنفرانس:

جنبش کارگری در دوره بعد از انقلابات موسوم به "بهار عربی" (گزارش، و بحث)

مبارزات کارگران در ایران و چشم انداز پیشروی و انقلاب

راههای ایجاد همبستگی میان کارگران در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

تماس: Shahla_daneshfar@yahoo.com

هوشیار سروش ۰۰۴۶۷۰۷۱۲۰۵۰۲

۵۰۰۰ کارگر معدن بافق:

تا آزادی همکارانمان به اعتصاب و تحصن ادامه میدهیم

تحصن برنخواهند داشت.

کارگران خواهان لغو قطعی خصوصی سازی معدن، تضمین امنیت شغلی، افزایش دستمزد و مزایا و آزادی فوری همکاران خود و پایان دادن به بساط احضار و دستگیری هستند. کارگران و مردم شهر همچنین خواهان خواست های رفاهی متعددی از جمله مقابله با هوای آلوده ناشی از معدن و جاده های خاکی و غیره هستند و تاکنون مبارزات متعددی برای پیشبرد خواست های خود داشته اند از جمله میتوان به اعتصاب ۳۹ روزه که در روز ۴ تیرماه امسال پایان یافت و اعتصاب دو روزه در اردیبهشت امسال نام برد. کارگران میدانند که خصوصی سازی به معنای اخراج، کاهش مزایا و فشار کاری بیشتر به کارگران است.

حزب کمونیست کارگری کلیه مردم بافق را به حلقه زدن به دور کارگران معدن و حمایت فعال از آنها فرامیخواند. ۵۰۰۰ کارگر و خانواده هایشان بخش عظیمی از جمعیت بافق هستند که همراه با سایر مردم معترض این شهر میتوانند نیروهای سرکوب را وادار به ترک معدن کنند. حزب کارگران را به تشکیل مجمع عمومی و تصمیم گیری واحد برای مقابله با اقدامات سرکوبگرانه و برای تحقق کلیه خواست هایشان فرامیخواند. کارگران و خانواده هایشان و مردم معترض شهر این توانایی را دارند که مفتخوران و سرکوبگران را عقب برانند و کلیه خواست های خود را به کرسی بنشانند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ مرداد ۱۳۹۳، ۲۱ اوت ۲۰۱۴



Iranian Labour News Agency

کارفرما در جریان اعتصاب ۳۹ روزه، از ۱۸ نفر از کارگران شکایت کرده و نیروی انتظامی تاکنون دو نفر را به اتهام اخلال در نظم دستگیر کرده است. کارگران میگویند نیروی انتظامی قصد داشت ۱۶ کارگر دیگر را هم بازداشت کند اما موفق نشد. کارگران دست به تحصن زده و همراه با ۱۶ کارگر همکار خود مانع دستگیری آنها شده اند. جمهوری اسلامی تعداد زیادی پلیس ضد شورش را در داخل معدن مستقر کرده اما اتحاد و روحیه مصمم کارگران به آنها اجازه دخالت و سرکوب نداده است. کارگران اعلام کرده اند که تا آزادی رفقای خود دست از اعتصاب

حالا که دولت و مفتخوران درمقابل عزم و اراده ۵۰۰۰ کارگر معدن بافق و اعتصاب قدرتمند ۳۹ روزه شان شکست خوردند به فکر ضد حمله افتاده و رهبران و فعالین اعتصاب را به زندان میکشانند و گارد سرکوب به معدن میفرستند. ۵۰۰۰ کارگر معدن آهن بافق در استان یزد در ادامه ۳۹ روز اعتصاب از اواخر اردیبهشت تا اوایل تیرماه، بار دیگر از روز ۲۸ مرداد دست به اعتصاب متحدانه زدند و علیه دستگیری و احضار رفقای خود اعتراض کردند. اعتصاب کارگران بدنبال بازداشت دو نفر از کارگران معدن بنام امیرحسین کارگران و علی صبری شروع شد.

تلفن تماس با حزب در خارج کشور

اصغر کریمی، دبیر هیئت اجرایی حزب
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

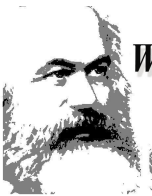
فریبرز پویا، دبیر کمیته خارج کشور ۰۰۴۴۷۷۸۶۱۰۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Workers-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود